

ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر

بهرام یوسفی^۱، جواد عظیمی‌راد^۲، و علی ملکیان^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۲۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با میزان مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی است. ۱۸۴ دانش‌آموز دختر دبیرستانی، در این پژوهش شرکت کردند. از پرسش‌نامه محیط خانوادگی برای تعیین شیوه‌های فرزندپروری والدین، و از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته مشارکت ورزشی برای سنجش میزان مشارکت ورزشی نمونه پژوهشی استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، و تحلیل رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه والدین با مشارکت ورزشی دختران دانش‌آموز، ارتباط معناداری وجود دارد؛ اما بین شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و مسامحه‌کارانه والدین با مشارکت ورزشی دختران دانش‌آموز، ارتباط معناداری یافت نشد. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، حمایت بیشتر والدین با فعالیت بدنی بیشتر فرزندان همراه است.

کلیدواژه‌ها: شیوه فرزندپروری، مشارکت ورزشی، فعالیت بدنی، دختران دانش‌آموز

Relationship between Parenting Styles and Sport Participation of Teenager Girl Students

Bahram Yoosefy, Javad Azimirad, and Ali Malekian

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between parenting styles and the amount of student's sport participation. 184 high school female students participated in this study. Family environment questionnaire was used to evaluate the parenting styles. The level of participation in sports was determined using a researcher made questionnaire. Data was analyzed using Pearson correlation and multiple regression analysis. The results showed significant correlation between physical activity levels and authoritarian and permissive parenting styles, but there was no significant correlation between physical activity levels and authoritative and neglectful parenting styles. Based on the findings of this study, more support of the parents is associated with more physical activity level in children.

Keywords: Parenting Style, Sport Participation, Physical Activity, Teenager Girl Students.

۱. عضو هیئت علمی گروه تربیت‌بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

۲. مدرس گروه تربیت‌بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)

۳. مدرس گروه تربیت‌بدنی دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه

فعالیت جسمانی یکی از ابعاد شیوه زندگی سالم است و خطر برخی از بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان‌ها، و دیابت نوع دو را کاهش می‌دهد (واربورتون، ویتنی، و بردین^۱، ۲۰۰۶). ورزش و فعالیت جسمانی در گروه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه در نوجوانان، تأثیرات مثبتی داشته و مزایایی نظیر پیشگیری از افزایش وزن، و بیماری‌های ناشی از آن، پیشگیری و کنترل بیماری‌هایی مانند فشارخون بالا، بیماری‌های قلبی و عروقی، دیابت، و افسردگی را به‌همراه دارد (پوسکار، مامفورد و سریکال^۲، ۱۹۹۹). همچنین ورزش می‌تواند از گرایش نوجوانان به سمت تفریحات ناسالم، بزهکاری، و اعتیاد پیشگیری کند و ضمن کاهش استرس، اعتمادبه‌نفس را در نوجوانان افزایش دهد (کرک‌کالدی، شفاد و سیفن^۳، ۲۰۰۲).

رشد عادات مفید بهداشتی، از جمله ورزش، در طی کودکی، و شروع نوجوانی بسیار با اهمیت است؛ زیرا در این دوره از رشد، ایجاد رفتارهای بهداشتی آسان‌تر از دوره بعدی آن است (لورز، بورانت و دروتار^۴، ۲۰۰۳). عادات خوب بهداشتی می‌تواند بر سلامتی نوجوانان، اثری طولانی‌مدت بگذارد؛ زیرا رفتارهایی که در نوجوانی شروع می‌شوند، در بزرگسالی نیز ادامه پیدا می‌کنند (ماهون، یارچسکی، تی. و یارچسکی، ای.، ۲۰۰۲^۵).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از نوجوانان و جوانان، به‌میزان توصیه‌شده ورزش نمی‌کنند (ترویانو و همکاران^۶، ۲۰۰۸). در دوره انتقال از کودکی به نوجوانی، کاهش قابل‌توجهی در میزان فعالیت بدنی به چشم می‌خورد (ریدوچ و همکاران^۷، ۲۰۰۴) و این

مورد در دختران، بیشتر اتفاق می‌افتد. در واقع، در همه گروه‌های سنی، میزان فعالیت بدنی دختران، از پسران کمتر است، تفاوت جنسیتی در نوع و شدت فعالیت بدنی نیز، گزارش شده است؛ به‌طوری‌که پسران بیشتر از دختران در فعالیت‌های شدید، متوسط تا شدید، سازمان‌یافته، پیاده‌روی، و دوچرخه‌سواری مشارکت داشته‌اند (تروست و همکاران^۸، ۲۰۰۲). شناخت عوامل اثرگذار بر مشارکت ورزشی دختران، برای افزایش فعالیت بدنی آنها ضروری است. الگوی خانواده تأثیرگذار^۹ بیان می‌کند که محیط خانوادگی (شامل باورها و رفتارهای والدین، برادران، و خواهران، و کارکرد و تعامل خانواده) بر ادراک کودک از آن محیط، تأثیر می‌گذارد. سپس این ادراک، باورهای خاصی را در کودک توسعه می‌دهد که عامل اصلی اثرگذار بر رفتار او به‌شمار می‌رود (کیمیچک، هورن و شورین^{۱۰}، ۱۹۹۶). در قلمرو فعالیت بدنی، الگوی خانواده تأثیرگذار برای توجیه فعالیت‌های بدنی به‌کار رفته است که به کاهش خطر بیماری‌های قلبی منجر می‌شود؛ بنابراین پژوهشگران این مدل را توجیه‌کننده فعالیت‌های بدنی متوسط و شدید عنوان کرده‌اند. این مدل، بیان می‌کند که باور والدین درباره فعالیت بدنی فرزندان، اساس و بنیانی را برای فهم تأثیر خانواده بر فعالیت بدنی کودک ایجاد می‌کند (دمپسی، کیمیچک، و هورن^{۱۱}، ۱۹۹۳).

بنیان خانواده تأثیرگذار، شامل عوامل مجاوری همچون حمایت والدین، حمایت دیگران مهم، فعالیت بدنی خواهران و برادران، و حمایت مستقیم والدین می‌باشد که به‌طور مستقیم با فعالیت بدنی نوجوانان در ارتباط است. همچنین بنیان خانواده تأثیرگذار شامل عوامل دورتری همچون محیط خارج از خانواده، و

1. Warburton, Whitney, & Bredin.
2. Puskar, Mumford, & Serikal.
3. Kirkcaldy, Shephard, & Siefen.
5. Levers, Burant, & Drotar.
6. Mahon, Yarcheski, & Yarcheski
7. Troiano et al.
8. Riddoch et al.

9. Trost et al.

10. The Family Influence Model

11. Kimiecik, Horn, & Shurin

1. Dempsey, Kimiecik, & Horn

کننده و از روی بی‌توجهی ختم می‌گردد که بنای مرکزیت آن بر نیازها و امیال والدین گذاشته شده است. بُعد دوم، کنترل والدین بر کودک را بررسی می‌کند و از رفتاری محدودکننده و مطالبه‌کننده تا روشی آسان‌گیر و بی‌ادعا متغیر است که در آن برای رفتار کودک، محدودیت‌های مختصری منظور شده - است (رضوان‌خواه، ۱۳۸۸). از تلفیق این دو بُعد، طبقات رفتاری والدین به‌وجود می‌آید و والدین از نظر عملکرد تربیتی و شیوه‌های فرزندپروری به چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

الف) والدین مقتدر^۵: بسیار کنترل‌کننده و مطالبه‌گر، و بسیار پاسخ‌دهنده و پذیرا هستند. رفتار مقتدرانه باعث رشد عاطفی، اجتماعی، و شناختی مثبت در کودکان می‌شود. یافته‌های تجربی نشان داده است که رفتار والدین با اقتدار با سطوح بالاتری از سازگاری و انطباق، بلوغ روانی، شایستگی روانی-اجتماعی، عزت نفس، و موفقیت آموزشی مرتبط است (پاولسون و اسپوتا، ۱۹۹۶)

ب) والدین مستبد^۶: بسیار مطالبه‌کننده و کنترل‌کننده هستند، درحالی‌که پذیرش و پاسخ‌دهی‌شان در حد پایین بوده و به نیازهای کودک بی‌توجهی می‌کنند. عملکرد تحصیلی و فکری کودکان چنین والدینی غالباً ضعیف بوده و در روابط خود با همسالان، از فقدان حس ابتکار، رهبری، و اتکاء به نفس رنج می‌برند (هترینگتون و پارک، ۱۹۸۶، ترجمه طهوریان و همکاران، ۱۳۷۳). عوامل موجود در محیط خانواده، از قبیل شیوه دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری، در رشد خشم یا خصومت نوجوانان دخالت دارد؛ نوجوانانی که محبت عاطفی والدین را در سطحی پایین، و کنترل و تناقض والدین را در سطحی بالا درک می‌کنند، سطوح بالایی از خشم یا خصومت را از خود نشان می‌دهند

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی/خانوادگی است که با تأثیر بر محیط خانوادگی به‌طور غیرمستقیم بر فعالیت بدنی اثر می‌گذارد (سالیس، پروچاسکا و تایلور، ۲۰۰۰). پشتیبانی والدین، باتوجه به نقش آنها به‌عنوان الگوی مشخص فرزندان، با میزان فعالیت بدنی دختران در ارتباط است (ادواردسون و گورلی، ۲۰۱۰). درحالی‌که در میان دختران نوجوان، دانش، تمرین، نقش حمایتی، و الگو بودن مادر با مشارکت ورزشی دختران ارتباط دارد. به‌طور مشابه، در میان دختران نوجوان غیرفعال هم، حمایت والدین همبستگی بالایی با مشارکت دختران در فعالیت‌های جسمانی دارد. عوامل دیگری مانند رفتار والدین، به‌طور کامل بررسی نشده‌اند و عوامل خانوادگی، مانند شیوه فرزندپروری، می‌تواند در این چهارچوب بررسی شده و از آن به‌عنوان ابزاری قوی برای آزمون تعامل بالقوه بین عوامل اجتماعی-دموگرافیک، فرزندپروری، و فعالیت بدنی استفاده شود (ساوندرز، هوم، تیمپریو، و سالمون، ۲۰۱۲).

هر خانواده، از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال، و اظهارات غیرکلامی والدین که ماهیت تعاملات والد-کودک را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کنند، تحت عنوان شیوه فرزندپروری شناخته می‌شوند (مایز و پتیت، ۱۹۹۷).

ادبیات پژوهشی، چهار شیوه فرزندپروری را مشخص کرده است که بازتابی از میزان کنترل، و میزان حمایتی است که والدین نسبت به فرزندان خود اعمال می‌کنند؛ بُعد حمایت، به بررسی رابطه عاطفی والدین با کودک می‌پردازد و حدود آن از رفتاری پاسخ‌دهنده، پذیرا، و کودک‌محور آغاز می‌شود و به رفتاری طرد

5. Authoritative
6. Paulson & Sputa
7. Authoritarian

1. Sallis, Prochaska. & Taylor
2. Edwardson & Gorely
3. Saunders, Hume, Timperio, & Salmon
4. Mize & Pettit

کنت، انجیز، بروکمن، و تامپسون^۶، ۲۰۱۰). جاگو، دیویسون، بروکمن، و پیچ^۷ (۲۰۱۱) ارتباط فرزندپروری والدین، فعالیت بدنی والدین، و فعالیت بدنی فرزندان را در کودکان ۱۰ تا ۱۱ سال بررسی کردند و نشان دادند که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین، نسبت به شیوه فرزندپروری قدرت‌طلبانه و مقتدرانه، با میزان بیشتر فعالیت بدنی متوسط و شدید، در دختران و پسران، همراه بود. براند و همکاران^۸ (۲۰۱۱) در پژوهش خود شیوه‌های فرزندپروری والدین ورزشکاران نخبه را با غیرورزشکاران مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که بین دو گروه تفاوت معناداری در شیوه‌های فرزندپروری والدین مشاهده نشد. از سوی دیگر، بنار، همتی‌نژاد، بهروزی، اندام، و یوسفی (۲۰۱۲) در پژوهش دیگری نشان دادند که ارتباط معناداری بین شیوه‌های فرزندپروری مادران (مستبدانه و مقتدرانه) با میزان فعالیت بدنی فرزندان وجود ندارد و شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با مشارکت ورزشی دختران ارتباط منفی دارد. بنار و بهروزی (۲۰۱۲) ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با سطوح فعالیت بدنی و اضافه وزن دختران دانش‌آموز را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که ارتباط معناداری بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، و سهل‌گیرانه مادران با میزان فعالیت بدنی دختران دانش‌آموز وجود ندارد. ساوندرز و همکاران (۲۰۱۲) اعلام کردند که بین شیوه مقتدرانه و سهل‌گیرانه والدین با تعداد فرزندی که پیاده‌روی و دوچرخه سواری می‌کنند، ارتباط وجود دارد و شیوه مقتدرانه والدین با میزان ورزش سازمان‌یافته فرزندان مرتبط است؛ همچنین تعامل بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و وضعیت خانوادگی، با میزان فعالیت بدنی متوسط و

(موریس، میسترز، مورن، و مورمان^۱، ۲۰۰۴) (ج) والدین آزادگذار یا سهل‌گیر^۲: این والدین مطالبه‌کنندگی و کنترل را در حد بسیار پایین، و پاسخ‌دهی و پذیرش را در حد بسیار بالا به کار می‌برند. در اینجا، به جای انضباط بیش‌ازحد، آسان‌گیری و ناهمسانی رفتار است که باعث رشد رفتاری کنترل نشده و تکانشی در فرزندان می‌شود (هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳).

(د) والدین مسامحه‌کار و غافل^۳: این نوع والدین بی‌تفاوت بوده، مطالبه‌کنندگی یا کنترل، و پاسخ‌دهی یا پذیرش را در حد بسیار پایین نشان می‌دهند. کودکان چنین خانواده‌هایی از نظر اجتماعی، بی‌مسئولیت و از نظر فکری، نارس و از لحاظ عملکرد تحصیلی و عزت‌نفس، ضعیف هستند (میسترز و موریس^۴، ۲۰۰۴).

باتوجه به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای سلامت کودکان و نوجوانان، و باعنایت به ارتباط بین دیگر جنبه‌های محیط خانوادگی و فعالیت بدنی، به نظر می‌رسد که شیوه‌های فرزندپروری والدین ممکن است با میزان فعالیت بدنی کودکان در ارتباط باشد (ساوندرز و همکاران، ۲۰۱۲). تاکنون چندین پژوهش، ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با فعالیت بدنی فرزندان را بررسی کرده‌اند.

برخی پژوهشگران گزارش می‌دهند کودکانی که مادران آنها از شیوه سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، فعال‌ترند؛ به عبارت دیگر، بین حمایت مادران با فعالیت فرزندان، ارتباط معناداری وجود دارد (هنسی، هیوز، گولدرگ، هیات، و اکونومیز^۵، ۲۰۱۰؛ جاگو،

1. Muris, Meesters, Morren, & Moorman
2. Permissive
3. Neglectful
4. Meesters & Muris
5. Hennessy, Hughes, Goldberg, Hyatt, & Economies

6. Jago, Kenneth, Angies, Brockman, & Thompson
7. Jago, avison, Brockman, & Page
8. Brand et al.

کاملاً مخالف را انتخاب کردند. ضریب پایایی این آزمون به شیوه همسانی درونی $0/83$ ، و به شیوه بازآزمایی $0/93$ گزارش شده است (اقدسی، نجفی، اسماعیلی، پناه‌علی، و محمدی، ۱۳۹۰). برای سنجش میزان مشارکت ورزشی، از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته مشارکت ورزشی استفاده شد. این پرسش‌نامه، شامل ۱۲ سؤال در مورد میزان و نوع فعالیت بدنی، رشته ورزشی‌ای که افراد در آن مشغول فعالیت بودند، و برخی موارد دیگر بود. در این پرسش‌نامه، میزان فعالیت بدنی به سطوح فعالیت بدنی منظم، فعالیت بدنی نامنظم، و عدم فعالیت بدنی تقسیم شده بود. برای بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه، در مقابل هر پرسش، پنج گزینه بسیار مرتبط با نمره ۱۰۰ - ۸۱، مرتبط با نمره ۸۰ - ۶۱ تا اندازه‌ای مرتبط با نمره ۶۰ - ۴۱، کمی مرتبط با نمره ۴۰ - ۲۱، و نامرتب با نمره ۲۰ - صفر گنجانده شد و پنج تن از متخصصان و صاحب‌نظران، ساختار و تطابق محتوای هر سؤال را تأیید کردند. همچنین پایایی آن، از طریق آلفای کرونباخ به میزان $0/86$ به دست آمد. از پرسش‌نامه مشخصات فردی که شامل اطلاعاتی در مورد پایه تحصیلی، سن، تعداد اعضای خانواده، و موارد دیگر بود، برای به دست آوردن اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه آماری استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا با اداره‌های آموزش و پرورش نواحی سه‌گانه کرمانشاه هماهنگی به عمل آمد. سپس با حضور در مدارس، ۱۰ دقیقه پایانی یکی از زنگ‌های کلاسی، به پژوهشگران اختصاص داده شد. پژوهشگران ضمن توزیع پرسش‌نامه‌ها، توضیحات لازم را در مورد شیوه تکمیل آنها ارائه کردند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری (اس. پی. اس. اس، نسخه ۱۶) صورت گرفت. از ضریب همبستگی پیرسون، و تحلیل رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

شدید فرزندان ارتباط دارد و تعامل بین شیوه فرزندپروری و وضعیت استخدامی والدین، با مدت و تواتر ورزش سازمان‌یافته فرزندان مرتبط است. ضمن این‌که در مطالعه بلندمدت همین پژوهش، ارتباط معناداری بین شیوه فرزندپروری والدین با فعالیت بدنی فرزندان مشاهده نشد. با توجه به نتایج متناقض پژوهش‌های پیشین، و کمبود مطالعات داخلی صورت‌گرفته در این زمینه، پژوهش حاضر به دنبال تعیین ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با میزان مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کرمانشاه است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کرمانشاه تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب نمونه پژوهشی، از روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. در این روش، چهار دبیرستان دخترانه، شامل دو دبیرستان از ناحیه سه، یک دبیرستان از نواحی یک، و دو (متناسب با تعداد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در این نواحی) به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر مدرسه انتخابی، دو کلاس و از هر کلاس، ۲۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. از تعداد ۲۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده بین نمونه‌های پژوهش، ۱۸۴ پرسش‌نامه تکمیل و برگردانده شد. برای تعیین شیوه‌های فرزندپروری والدین از پرسش‌نامه محیط خانوادگی - فرزندپروری استفاده شد که نقاشیان (۱۳۵۸) بر مبنای کار شیفر^۱ طراحی کرده بود. پرسش‌نامه مذکور دارای ۷۶ سؤال است که دو بُعد کنترل - آزادی، و گرمی - سردی روابط خانوادگی را می‌سنجد. شرکت‌کنندگان برای هر سؤال، یکی از جواب‌های کاملاً موافق، موافق، بی‌تفاوت، مخالف، و

یافته‌ها

بودند، ۹۵ نفر (۵۱/۶ درصد) شیوه فرزندی‌پروری والدین خود را سهل‌گیر عنوان کردند و تنها ۱۴ نفر، یعنی ۷/۶ درصد، شیوه فرزندی‌پروری والدین خود را مستبدانه ادراک نمودند.

جدول ۱، ادراک دختران را از شیوه فرزندی‌پروری والدین نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، از ۱۸۴ دانش‌آموز دختری که در این پژوهش شرکت کرده

جدول ۱. ادراک دانش‌آموزان از شیوه فرزندی‌پروری والدین

شیوه فرزندی‌پروری	تعداد	درصد
مقتدرانه	۴۳	۲۳.۴٪
سهل‌گیرانه	۹۵	۵۱.۶٪
مستبدانه	۱۴	۷.۶٪
مسامحه‌کارانه	۳۲	۱۷.۴٪
مجموع	۱۸۴	۱۰۰٪

با مشارکت ورزشی دختران، ارتباط معناداری وجود ندارد. اما ارتباط بین شیوه فرزندی‌پروری سهل‌گیرانه و مستبدانه والدین با میزان مشارکت ورزشی دختران، معنادار است.

جدول ۲، ضریب همبستگی بین شیوه‌های فرزندی‌پروری والدین با میزان مشارکت ورزشی دختران دانش‌آموز را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، بین شیوه فرزندی‌پروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه والدین

جدول ۲. ضریب همبستگی بین شیوه‌های فرزندی‌پروری والدین با مشارکت ورزشی دختران دانش‌آموز

متغیرها	مقدار همبستگی	سطح معناداری	ضریب تعیین R^2
مقتدرانه با مشارکت ورزشی	$r = 0.316$	۰.۰۰۲	۰.۴۷۳
سهل‌گیرانه با مشارکت ورزشی	$r = 0.415$	۰.۰۰۱	۰.۴۶۶
مستبدانه با مشارکت ورزشی	$r = 0.189$	۰.۰۹۴	۰.۱۹۱
مسامحه‌کارانه با مشارکت ورزشی	$r = 0.144$	۰.۲۱۹	۰.۱۳۲

به‌منظور تعیین ضریب همبستگی چندگانه بین شیوه‌های فرزندی‌پروری با مشارکت ورزشی، از تحلیل رگرسیون به شرح جداول زیر استفاده شده است.

جدول ۳. آماره‌های خلاصه مدل رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تصحیح شده	انحراف استاندارد ضریب تعیین تصحیح شده
۱	۰/۴۴۸	۰/۱۲۰	۰/۰۲۰	۶/۸۵۳

باتوجه به مقدار ضریب همبستگی و ضریب تعیین به‌دست‌آمده ($R^2 = 0.120$)، متغیر شیوه‌های فرزند-پروری، از تغییرات مشارکت ورزشی را تعیین می‌کند.

جدول ۴. ضرایب مدل رگرسیون

ابعاد	ضرایب استاندارد نشده بتا	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده Beta	T	سطح معناداری
مقتدرانه	۰/۲۹۰	۰/۰۹۳	۰/۱۹۵	۳/۱۹۰	۰/۰۰۱
سهل‌گیرانه	۰/۲۶۶	۰/۰۷۹	۰/۲۱۴	۳/۶۵۳	۰/۰۰۱

در ارتباط می‌دانند، همسو است. اما با پژوهش بنار و همکاران (۲۰۱۲) که بین شیوه سهل‌گیرانه والدین با مشارکت ورزشی فرزندان، ارتباط منفی مشاهده کردند، همسو نیست.

ترس والدین و نگرانی آنها در زمینه امنیت فرزندان، می‌تواند مانع قدرتمندی در برابر طول مدت فعالیت بدنی کودکان باشد. اخیراً یک پژوهش نشان داده است که بین محدودیت فرزندان در خروج از منزل بدون والدین، و مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته ارتباط وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها تفاوت معناداری را در استقلال دختران و پسران برای ورود و خروج از منزل نشان داده‌اند. استقلال دختران در رفت‌وآمد، تحت تأثیر باورهای فرهنگی، و شرایطی است که محیط را امن یا ناامن می‌کند (بریدی و کان، ۲۰۰۲). به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل مشارکت ورزشی بیشتر فرزندان والدین سهل‌گیر، آزادی آن‌ها در ورود و خروج از منزل، و حضورشان در محل انجام فعالیت‌های ورزشی همراه با حمایت والدین است. هرچند، این آزادی رفت‌وآمد، در فرزندی که والدین آن‌ها از شیوه فرزندپروری مسامحه‌کارانه استفاده می‌کنند نیز، مشاهده می‌شود؛ اما احتمالاً فقدان حمایت والدین از این فرزندان، موجب تفاوت در میزان مشارکت ورزشی این دو گروه شده است. احتمال می‌رود عدم همسویی پژوهش حاضر با پژوهش بنار و همکاران (۲۰۱۲)، به‌این دلیل باشد که در فرزندان والدینی که از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، تعامل بین

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد شیوه‌های سهل‌گیرانه و مقتدرانه، تحت تأثیر نمره مشارکت ورزشی هستند و می‌توانند در معادله رگرسیونی باقی بمانند که به‌ترتیب با ضریب رگرسیونی ۰/۲۶۶ و ۰/۲۹۰ توانسته‌اند به‌ترتیب ۰/۲۱۴ و ۰/۱۹۵ مشارکت ورزشی را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های پیشین، تأثیر عوامل محیطی خانواده بر مشارکت ورزشی فرزندان نشان داده شده است (سالیس، پروچاسکا و تایلور، ۲۰۰۰). باتوجه به نتایج متناقض پژوهش‌های پیشین در زمینه ارتباط شیوه فرزندپروری والدین با مشارکت ورزشی فرزندان، پژوهش حاضر این رابطه را در میان دختران دانش‌آموز دبیرستانی سطح شهر کرمانشاه بررسی کرد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین با میزان مشارکت ورزشی دختران دانش‌آموز ارتباط دارد. اما بین شیوه فرزندپروری مسامحه‌کارانه والدین با میزان فعالیت بدنی دختران دانش‌آموز ارتباط معناداری مشاهده نشد. نتایج پژوهش حاضر به این معناست که فرزندان والدینی که از شیوه‌های فرزندپروری با حمایت بیشتر استفاده می‌کنند، بیشتر از فرزندان والدینی که از شیوه فرزندپروری با حمایت کمتر استفاده می‌کنند، در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های هنسی و همکاران (۲۰۱۱)، جاگو و همکاران (۲۰۱۱)، و ساندرز و همکاران (۲۰۱۲) که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین را با مشارکت ورزشی و فعالیت بدنی فرزندان

این شیوه با عوامل دیگر، از قبیل در دسترس بودن امکانات و اماکن ورزشی، سایر فعالیت‌های جایگزین، نقش گروه همسالان، و برخی موارد دیگر، در گرایش فرزندان به فعالیت‌های مختلف تأثیرگذار بوده است؛ در نتیجه در پژوهش حاضر، عوامل دیگری که احتمالاً با شیوه فرزندپروری در تعامل بوده‌اند، باعث چنین ارتباطی بین این شیوه با مشارکت ورزشی شده‌اند.

همچنین این پژوهش نشان داد که بین مشارکت ورزشی فرزندان و شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین، ارتباط معناداری وجود دارد. درحالی‌که در دانش-آموزانی که والدین آن‌ها از شیوه مستبدانه استفاده می‌کنند، این ارتباط مشاهده نمی‌شود.

ساندرز در پژوهش خود نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه والدین با فعالیت بدنی فرزندان ارتباط منفی وجود دارد و شیوه مقتدرانه والدین با میزان ورزش سازمان‌یافته فرزندان در ارتباط است. فواید شیوه فرزندپروری مقتدرانه در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. بامریند^۱ (۱۹۹۱) در بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر قابلیت نوجوانان دریافت که شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با فعالیت جسمانی بیشتری در نوجوانان همراه است. پژوهش‌های پیشین نشان داده است کودکانی که والدین مقتدر دارند، به‌طور معناداری از رشد خوبی برخوردارند؛ حالت سرزندگی و شادابی بیشتری دارند؛ و در تسلط به تکالیف جدید، دارای اعتمادبه‌نفس و خودکنترلی بالایی هستند. شواهد اخیر، وجود رابطه مثبت بین فرزندپروری مقتدرانه والدین و مهارت‌های عاطفی و اجتماعی فرزندان را در سال‌های پیش از مدرسه تأیید می‌کنند. پژوهش‌هایی که شیوه فرزندپروری قاطعانه در سنین بالاتر را بررسی کرده‌اند، گزارش داده‌اند که در سنین بالا، بین این شیوه و

بسیاری از جنبه‌های شایستگی فرزندان، رابطه وجود دارد. این شایستگی‌ها شامل سطح بالای خودرشد-یافتگی اجتماعی، و پیشرفت در مدرسه است (آقاجری، ۱۳۷۴). رفتار فرزندان والدین مقتدر با همسالان خود، صمیمی‌تر و دوستانه‌تر است. آنها دارای حسن همکاری با بزرگسالان بوده، و افرادی مستقل، باانرژی و مستعد موفقیت هستند. همچنین آنها می‌توانند خویشتن‌داری زیادی از خود نشان دهند. این مجموعه از ویژگی‌ها را غالباً تحت عنوان قابلیت کاربردی یا ابزاری می‌شناسند (مکوبی و مارتین^۲، ۱۹۸۳).

ونار^۳ (۱۹۹۴) دریافت که فرزندان والدین مقتدر، عزت‌نفس، خودکنترلی، امنیت و کنجکاوی بیشتر، و مشکلات رفتاری و شناختی کمتری نسبت به فرزندان والدین مستبد و سهل‌گیر از خود نشان می‌دهند. کودکان در این نوع خانواده‌ها، صمیمیت، خلاقیت، اصالت، سازندگی و کنجکاوی خاصی از خود نشان می‌دهند. به‌طور کلی این کودکان، شدیداً فعال و پرانرژی بوده و در بیان احساسات خود کمتر دچار وقفه و تعارض می‌شوند (ماسن و همکاران، ۱۹۶۹، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۳). ویژگی‌های مثبت این شیوه فرزندپروری، درمورد خصوصیات رفتاری فرزندان، سبب شده است که برخی پژوهشگران (پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰) شیوه فرزندپروری مقتدرانه را مناسب‌ترین شیوه فرزندپروری به‌شمار آورند. بنابراین ارتباط مثبت شیوه فرزندپروری والدین با مشارکت ورزشی فرزندان منطقی به‌نظر می‌رسد.

شاید دلیل مشارکت ورزشی کمتر فرزندان والدین مستبد این باشد که مهم‌ترین نقشی که والدین مستبد در خانواده دارند، ریاست یا مالکیت است. به‌عبارت دیگر، آنها احساس می‌کنند که مالک کودکان هستند. هیچ امری به اندازه نظم و انضباط برای این والدین

2. Maccoby & Martin
3. Wenar

1. Baumrind

فعالیت بدنی فرزندان نیز، ارتباط وجود دارد، ضرورت پژوهش‌های بلندمدتی که نقش شیوه فرزندپروری والدین را در تعامل با سایر عوامل محیط خانوادگی، جمعیت‌شناختی، جامعه‌شناختی، و موارد دیگر بررسی کند، احساس می‌شود.

منابع

- آقاجری، ز. (۱۳۷۴). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان (دانش‌آموزان راهنمایی تهران). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء*.
- اقدسی، ع. ن.، نجفی، س.، اسماعیلی، ر.، پناه-علی، ا.، و محمدی، ا. (۱۳۹۰). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان پسر بزهکار و عادی. *زن و مطالعات خانواده*. سال چهارم. ۱۳: ۱۴۱-۱۴۱.
- پاکدامن، م.، خامسان، ا.، و براتی، ف. (۱۳۹۰). نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*. ۱۴: ۳۳-۴۰.
- رضوان‌خواه، م. (۱۳۸۸). رابطه مفهوم خود، ساختار خانواده و نگرش به عملکردهای تربیتی والدین در نوجوان. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*. ۱۰، ۳: ۱۹۶-۱۷۷.
- ماسن، پ. ه.، کیگان، ج.، هوستون، آ. ک.، و وی‌کانجر، ج. ج. (۱۹۶۹). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه یاسایی، م. (۱۳۷۲). چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- نقاشیان، ذ. (۱۳۵۸). رابطه محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز*.
- هترینگتون، ای. ام.، و پارک، ار. دی. (۱۹۸۶). *روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر*. ترجمه ارزشمند نیست و گاهی برای اعمال آن از شدیدترین تنبیه‌ها استفاده می‌کنند. در این خانواده‌ها، معمولاً شنیدن صحبت‌های کودکان جایگاهی ندارد و اگر هم به صحبت‌های آن‌ها گوش دهند، به قصد پاسخ‌گویی به آنها است (ماسن و همکاران، ۱۹۶۹، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۳). فرزندان والدین مستبد، مضطرب، گوشه‌گیر، و غمگین هستند. این کودکان در تعامل با همسالان، در صورت ناکامی، خصومت نشان می‌دهند. دختران این والدین، وابسته و فاقد روحیه اکتشاف هستند و از برخورد با مسئولیت طفره می‌روند و نسبت به دخترانی که والدین اقتدارگرا دارند، سازگاری کمتری نشان می‌دهند (بامریند، ۱۹۹۱). فقدان مسئولیت‌پذیری و سازگاری که از نیازهای مهم محیط‌های ورزشی است، می‌تواند عامل مهمی باشد در تفاوت بین فرزندی که والدین آن‌ها از شیوه‌های مستبدانه و مقتدرانه استفاده می‌کنند. براساس نتایج پیشین، عوامل خانوادگی، مانند شیوه‌های فرزندپروری، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قوی برای آزمون تعامل بالقوه بین عوامل اجتماعی-دموگرافیک، فرزندپروری، و فعالیت بدنی در نظر گرفته شود. باتوجه‌به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای سلامت کودکان و نوجوانان، و باعنایت‌به ارتباط بین دیگر جنبه‌های محیط خانوادگی با فعالیت بدنی، به‌نظر می‌رسد که شیوه‌های فرزندپروری والدین ممکن است با میزان فعالیت بدنی کودکان در ارتباط باشد. پژوهش حاضر نشان داد که عامل اساسی در تعیین ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با مشارکت ورزشی دختران دانش‌آموز، بُعد حمایتی در شیوه فرزندپروری والدین است و میزان حمایت بیشتر والدین در دو شیوه مقتدرانه و سهل‌گیرانه، مشارکت ورزشی و فعالیت بدنی دختران را بیشتر می‌کند. از آنجائی‌که پژوهش‌های کمی در این زمینه انجام شده، و بین دیگر عوامل مهم محیط خانوادگی با

15. Jago, R., Kenneth, R. F., Angies, S. P., Brockman, R., & Thompson, J. L. (2010). Parent and child physical activity and sedentary time: Do active parents foster active children?. *BMC Public Health*, 10 (194), 1471-2485.
16. Kimiecik, J. C., Horn, T. S., & Shurin, C. S. (1996). Relationships among children's beliefs, perceptions of their parents' beliefs, and their moderate-to-vigorous physical activity. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 67, 324-336.
17. Kirkcaldy, B. D., Shephard, R. J., & Siefen, R. G. (2002). The relationship between physical activity & self-image and problem behavior among adolescent. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 37 (11): 544-550.
18. Levers, L. C. E., Burant, C., & Drotar, D. (2003). Social support, knowledge, and self-efficacy as correlates of osteoporosis preventive behaviors among preadolescent females. *Journal of Pediatric Psychology*, 28 (5): 335-345.
19. Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: parent-child interaction, in P. H. Mussen (Ed.), *Handbook of Child Psychology*, Vol. 4, New York: Wiley, 1-101.
20. Mahon, N. E. Yarcheski, T. J., & Yarcheski, A. (2002). The revised personal lifestyle questionnaire for early adolescents. *West Journal of Nurse Research*, 25 (5): 547-553
21. Meesters, C., & Muris, P. (2004). Perceived parental rearing, behaviors and coping in young adolescents. *Personality and Individual Differences*, 37 (3), 513-522.
22. Mize, J., & Pettit, G. (1997). Mothers Social coaching, mother-child relationship style and children. S peer competence: Is the medium the message. *Child Development*, 68, 312-332
8. Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *JEA*, 11 (1): 56-95.
9. Benar, N., & Behrozi, A. (2012). The study of relationship between parenting styles of mothers with physical activity levels and overweight among female students. *Kharkov Regional Branch of the National Olympic Committee of Ukraine*, 114-119.
10. Benar, N., Hemmatinezhad, M. A., Behrozi, A., Andam, R., & Yousefi, M. (2012). The Relationship between parenting styles, parenting practices, maternal education level with physical activity levels among adolescent girls. *International Journal of Sport Studies*, Vol., 2 (9), 436-443.
11. Brady, M., & Kahn, A. B. (2002). *Letting Girls Play: The mature youth sports association's football program for girls*. New York, US: Population Council.
12. Brand, S., Gerber, M., Johannes, B., Nadeem, K., Martin, H., Uwe, P., & Edith, H. T. (2011). Perceived parenting styles differ between genders but not between elite athletes and controls. *Adolescent Health, Medicine and Therapeutics*, 2: 9-14.
13. Hennessy, E., Hughes, S. O., Goldberg, J. P., Hyatt, R. R., & Economos, C. D. (2010). Parent-child interactions and objectively measured child physical activity: A cross-sectional study. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 7, 71.
14. Jago, R., Davison, K. K., Brockman, R., Page, A. S., Thompson, J. L., & Fox, K. R. (2011). Parenting styles, parenting practices, and physical activity in 10 to 11 years old. *Preventive Medicine*, 52, 44-47.
- طهوریان، ج، رضوانی، ا، نظری‌نژاد، م. ح، آخشینی، ع، یزدی، ا. ا، و همکاران. (۱۳۷۳). جلد دوم. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

23. Muris, P., Meesters, C., Morren, M., & Moorman, L. (2004). Anger and hostility in adolescents: Relationships with self reported attachment style and perceived parental rearing styles. *Journal of Psychosomatic Research*, 57 (3), 257-264.
24. Paulson, S. E., & Sputa, C. L. (1996). Patterns of parenting during adolescence: perceptions of adolescents and parents. *Adolescence*, 31 (122), 369-381.
25. Puskar, K., Murnford, K., & Serikal, S. (1999). Health concern and risk behavior of rural adolescent. *Journal of Community Health Nurse*, 16 (2): 109-19.
26. Riddoch, C. J., Andersen, L. B., Wedderkopp, N., Harro, M., Klasson-Heggebø, L., Sardinha, L. B., Cooper, A. R., & Ekelund, U. (2004) Physical activity levels and patterns of 9 and 15 years old European children. *Med Sci Sports Exercise*; 36: 86-92.
27. Sallis, J. F., Prochaska, J. J., & Taylor, W. C. (2000). A review of correlates of physical activity of children and adolescents. *Medical Science ad Sports Exercise*; 32: 963-975.
28. Saunders, J., Hume, C., Timperio, A., & Salmon, J. (2012). Cross-sectional and longitudinal associations between parenting style and adolescent girls' physical activity. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*; 9: 141-152.
29. Troiano, R. P., Berrigan, D., Dodd, K. W., Masse, L. C., Tilert, T., & McDowell, M. (2008). Physical activity in the United States measured by accelerometer. *Medical Science and Sports Exercise*; 40: 181-188.
30. Trost, S., Pate, R., Sallis, J., Freedson, P., Taylor, A., Dowda, M., & Sitard, J. (2002). Age and Gender Differences in Objectively Measured Physical Activity in Youth. *Medicine and Science in Sports and Exercise*; 34 (2): 350-355.
31. United States Department of Health and Human Services (2000). *Healthy people, 2010* (conference edition. In two volumes), Washington, DC: 58-64.
32. Warburton, E. R., Whitney, N., Bredin, & S. D. (2006). Health benefits of physical activity: the evidence. *CMAJ*; 174 (6): 801-9.
33. Wenar, C. (1994). Developmental psychopathology: From infancy through adolescence. New York: McGraw-Hill.

